

# تصویر نگران‌کننده نرخ بیکاری جوانان در ایران

نوشته احمد آل یاسین

شواهد و قراین نشان می‌دهد که صدرنشین بحران‌های آینده کشور بحران گسترده بیکاری خواهد بود، بحرانی که خواه ناخواه تمامی جامعه ایرانی، مستقیم و غیرمستقیم، در معرض اثرات منفی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن قرار خواهند گرفت.

رییس سازمان برنامه و بودجه اخیراً در این زمینه گفته است «در صدر این بحران، بیکاری درصد عظیمی از جوانان قرار دارد که عمده آنان دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها هستند». وی همچنین تأکید کرد که «در تمام دنیا از بیکاران به عنوان لشگریان بالقوه اغتشاشی و بحران‌یاد می‌شود.» (۱)

پس از گذشت قریب به ۷۰ سال از ورود ایران به دوران اقتصاد نوین و ۵۰ سال اجرای برنامه‌های عمرانی و هزینه کردن بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار در بیافت‌های ارزی، در آستانه قرن

بیست و یکم، هنوز اقتصاد ملی کشور ایران دست به گریبان مسأله فقر ناشی از کمبود تولید است و کشور ما همچنان در ردیف کشورهای در حال توسعه قرار دارد. (۲) با این تجربه تلخ و با توجه به نیاز شدید کشور به ایجاد فرصت‌های شغلی برای ۳۰ میلیون جوان در آینده‌ای نزدیک، بهترین و مناسب‌ترین کار برای حرکت به سوی تولیدی شدن این است که سرمایه‌گذاری‌های آینده به جای به مصرف رسیدن برای ایجاد مشاغل کاذب و صوری و گسترش بیکاری پنهان، به واقع در جهت استفاده از توان سرشار جوانان کشور برای تولید و افزایش حجم کالاهای مفید و قابل صدور به کار افتد.

برای آگاهی بیشتر، در متن این نوشتار آمار نرخ بیکاری، به ویژه در ارتباط با طیف جوانان کشور به روایت کارشناسان و پژوهندگان مختلف ارائه می‌شود تا اهمیت توسعه فرهنگ تولید، ایجاد اشتغال مفید و مبارزه فراگیر با بیکاری آشکار و پنهان قابل لمس‌تر شود.

۱- یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار نیروی کار در ایران، پایین بودن نرخ فعالیت عمومی است. نرخ فعالیت عمومی عبارت است از شاخصی که از تقسیم جمعیت فعال کشور بر کل جمعیت به دست می‌آید. این شاخص در جدول یک برای سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ محاسبه شده است. مقدار نرخ فعالیت عمومی از ۳۲ درصد در سال ۱۳۳۵ تا ۲۵/۹ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته، ولی بعد از آن افزایش می‌یابد تا در سال ۱۳۷۵ به ۲۶/۷ درصد می‌رسد. با این وجود، نرخ فعالیت عمومی در کشور در سال ۱۳۷۵ هنوز کمتر از نرخ سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۳۵ بوده است. بالا بودن نرخ رشد جمعیت، جوان بودن

جمعیت، مشارکت ناچیز زنان در بازار کار و برخی عوامل دیگر، از دلایل پایین بودن این شاخص در کشور است. برای نمونه، طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ در حالی که جمعیت کمتر از ۱۰ سال کشور، رشدی برابر ۴/۵ درصد در سال داشته، رشد جمعیت فعال کشور فقط ۲/۵ درصد بوده است.

جدول (۱). شاخص‌های نیروی انسانی ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۳۵ (هزار نفر)

عنوان	۱۳۳۵			۱۳۴۵			۱۳۵۵			۱۳۶۵			۱۳۷۵		
	تعداد	سهم	سهم	تعداد	سهم	سهم	تعداد	سهم	سهم	تعداد	سهم	سهم	تعداد	سهم	سهم
کل جمعیت	۱۸۹۵۵	۱۰۰	۲۵۷۸۹	۱۰۰	۳۳۷۰۹	۱۰۰	۴۹۴۴۵	۱۰۰	۶۰۰۵۵	۱۰۰	۶۰۰۵۵	۱۰۰	۶۰۰۵۵	۱۰۰	۶۰۰۵۵
جمعیت فعال	۶۰۶۷	۳۲	۷۸۴۲	۳۰/۴	۹۷۹۶	۲۹/۱	۱۲۸۲۰	۲۵/۹	۱۴۷۳۷	۲۴/۴	۱۶۰۲۷	۲۶/۷	۱۶۰۲۷	۲۶/۷	۱۶۰۲۷
جمعیت شاغلان	۵۹۰۸	۳۱/۲	۷۱۱۶	۳۷/۶	۸۷۹۹	۲۶/۱	۱۱۰۰۲	۲۳/۳	۱۳۰۹۷	۲۲/۵	۱۴۵۷۲	۲۴/۳	۱۴۵۷۲	۲۴/۳	۱۴۵۷۲
جمعیت بیکار	۱۵۹	۰/۸	۷۲۶	۲/۸	۹۹۷	۳	۱۸۱۹	۳/۷	۱۶۴۰	۲/۹	۱۱۱۳	۲/۴	۱۱۱۳	۲/۴	۱۱۱۳
بعد خانوار	۴/۷۵		۴/۹۹		۵		۵/۱۱		۵/۱۸		۵/۸۵		۵/۸۵		۵/۸۵
جمعیت شهری	۵۹۵۴	۳۱/۴	۹۷۹۴	۳۸	۱۵۸۵۵	۴۷	۲۶۸۴۵	۵۴/۳	۳۱۸۳۷	۵۲	۳۶۸۱۸	۶۱/۳	۳۶۸۱۸	۶۱/۳	۳۶۸۱۸
جمعیت روستایی	۱۳۰۰۱	۶۸/۶	۱۵۹۹۴	۶۲	۱۷۸۵۴	۵۲	۲۲۶۰۰	۴۵/۷	۲۴۰۰۱	۴۳	۲۳۳۲۸	۳۸/۷	۲۳۳۲۸	۳۸/۷	۲۳۳۲۸
جمعیت دهساله و بالاتر	۱۲۷۸۴	۶۷/۴	۱۷۰۰۰	۶۵/۹	۲۳۰۰۲	۴۸/۲	۳۲۸۷۴	۶۶/۵	۳۸۶۵۵	۶۹/۲	۳۸۶۵۵	۶۹/۲	۳۸۶۵۵	۶۹/۲	۳۸۶۵۵

مأخذ: مجموعه آماری: سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، سرشماری‌های عمومی و سالنامه‌های آماری سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵.

۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و محاسبات نگارنده.

نتیجه پایین رفتن نرخ فعالیت عمومی، بالا رفتن بار تکفل را در پی دارد.

از دیگر ویژگی‌های بازار کار ایران، پایین بودن ضریب اشتغال است. ضریب اشتغال از تقسیم جمعیت شاغل بر کل جمعیت به دست می‌آید. برای جمعیت ایران این ضریب طی ۴ دهه اخیر از ۳۱/۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۲/۳ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته و دوباره طی دهه ۷۵-۱۳۶۵ به ۲۴/۳ افزایش پیدا کرده است. ضریب اشتغال در ایران، هنوز از سال‌های ۱۳۳۵ و پیش از آن کمتر است، هرچند که از سال ۱۳۶۵، این ضرایب روبه افزایش گذاشته است.

پایین بودن این ضریب نیز مانند نرخ فعالیت عمومی بر شاخص‌های اقتصادی، همچون نرخ پس‌انداز، بار تکفل، سرمایه‌گذاری، ثروت خانوارها و غیرتأثیر منفی خواهد داشت. (۳)

۲- در جدول دو تصویر نگران‌کننده تغییرات درصد نرخ بیکاری و بار تکفل از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۷۸ درج شده است. (۴)

جدول دو- تغییرات درصد نرخ بیکاری و بار تکفل

دوره - سال	جمعیت فعال (هزار نفر)	جمعیت شاغل (هزار نفر)	نرخ بیکاری درصد	بار تکفل	نرخ رشد جمعیت (درصد)
۱۳۴۶-۵۱	۷۷۲۴	۷۶۳۶	۱/۱۳	۳/۸	۲/۴
۱۳۵۸	۱۰۴۳۷	۹۲۱۳	۱۳/۳	۴	۲/۷
۱۳۶۷	۱۴۲۰۱	۱۲۰۸۰	۱۷/۵	۴/۴	۳/۶
۱۳۷۸	۱۷۳۰۰	۱۵۰۰۰	۱۵/۳	۴/۲	۱/۵

گرچه در جدول دو، روند افزایش جمعیت فعال، شاغل و نرخ بیکاری طی ۳۲ سال دیده می‌شود اما بهتر است برای فهم دقیق‌تر تغییرات آن، بار دیگر به نمودار (یک) نگاه کنید.

۳- براساس گزارش مراکز پژوهشی مستقل مجلس شورای اسلامی، نرخ بیکاری با احتساب بیکاری پنهان در سال ۱۳۷۷ برابر با ۲۴/۸ درصد بوده است. (۵)

پیش‌بینی شده است که در طول اجرای برنامه سوم توسعه، حدود ۵/۳ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه خواهد شد. در همین دوره میزان عرضه سالانه نیروی کار حدود ۷۰۰ هزار نفر برآورد شده که در مقایسه با ۴۳۰ هزار نفر جویای شغل برنامه دوم (۷۸-۱۳۷۴)، ایجاب می‌کند، اقتصاد کشور از رشد بالا و مستمری برخوردار

باشد. رشد جمعیت و رشد نرخ بیکاری نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین چالش اقتصاد فرسوده کشور، ضرورت‌های حیاتی اشتغال‌زایی است. دستیابی به چنین سطحی از اشتغال‌زایی با توجه به انحطاط اقتصادی جامعه که ناشی از قوانین کار، فراوانی قاچاق، گسترش دلالی، کمیسیون‌گیری و عوامل متعدد دیگری است، بسیار بعید به نظر می‌رسد. (۶)

۴- طبق سرشماری سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت ۶۰ میلیونی کشور، ۱۶ میلیون نفر آن «جمعیت فعال» است. جمعیت فعال به کسانی اطلاق می‌شود که آماده و قادر به کار تولیدی هستند. همین آمار می‌گوید که نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۵ برابر ۹ درصد بوده است.

کارشناسان ویژگی‌های بیکاری در ایران را به شرح زیر خلاصه کرده‌اند:

- نرخ بیکاری یاسوادان ۲۵ درصد و بی‌سوادان ۸ درصد است.

- نرخ بیکاری در شهرها بیش از روستاها

هرچه رشد اقتصادی بالاتر رود، تقاضای نیروی کار هم افزایش می‌یابد. برآوردها نشان داده که برای تثبیت نرخ بیکاری در ۹ درصد، نرخ رشد در ۵ سال متوالی باید به ۷/۷ درصد برسد، و اگر نظر بر این باشد که نرخ بیکاری در ۱۴ درصد و یا در ۵ درصد تثبیت شود، متناسباً نرخ رشد باید به سطح ۶/۲ و یا ۱۷ درصد افزایش یابد.

سازمان برنامه و بودجه در برنامه سوم توسعه نرخ رشد را ۶ درصد و نرخ بیکاری را ۱۲/۵ درصد پیش‌بینی کرده که در این صورت کشور باید بتواند ظرفیت ایجاد ۷۶۵ هزار شغل را در سال دارا شود. در صورتی که در بهترین شرایط، بالاترین میزان ایجاد شغل ۴۰۰ هزار نفر در سال در دوره اجرای برنامه اول، آن هم به دلیل پایان جنگ و خالی بودن ظرفیت‌های تولیدی کشور بوده است. (۷)

۵- مسئولان اجرایی و اقتصادی کشور ادعا می‌کنند که حتی در صورت موفقیت برنامه سوم، نرخ بیکاری کشور که در آغاز سال ۱۳۷۹ آن را حدود ۱۳/۵ درصد دانسته‌اند، در سال پایان اجرای برنامه (۱۳۸۴) به ۱۰/۵ درصد کاهش خواهد یافت که با توجه به رشد جمعیت تعداد این ۱۰/۵ درصد جمعیت آماده کار در سال ۱۳۸۴، بیشتر از عده ۱۳/۵ درصدی بیکاران در سال ۱۳۷۸ خواهد بود. (۸)

۶- براساس گزارش مرکز آمار ایران، نتایج حاصل از اجرای طرح نمونه‌گیری آماری در نیمه دوم سال ۱۳۷۸ در قالب اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن در زمینه میزان اشتغال و بیکاری در سطح کشور و مراجعه به ۱۱۸۰۰۰ خانوار نمونه، تحلیل آماری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر، برحسب جنس و مناطق شهری و روستایی در زمینه اشتغال و فعالیت در جدول سه و در زمینه میزان بیکاری در جدول چهار ارائه شده است.

جدول سه- فعالیت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (درصد)

شرح	مردوزن	مرد	زن
کل	۳۶/۹۶	۶۱/۸۶	۱۱/۷
شهری	۳۵/۳۱	۶۰/۳۱	۹/۴۷
روستایی	۳۹/۲۱	۶۲/۹۹	۱۴/۶۴

جدول چهار- میزان بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر (درصد)

شرح	مردوزن	مرد	زن
کل	۱۳/۵۴	۱۳/۵۳	۱۴/۶۱
شهری	۱۴/۰۲	۱۳/۰۵	۲۰/۴
روستایی	۱۲/۹۶	۱۴/۱۵	۷/۷۹

است. - نرخ بیکاری جوانان بیش از سالمندان است.

کارشناسان می‌گویند در دوران برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی با ایجاد سالانه ۴۰۰/۰۰۰ شغل، جمعاً ۲ میلیون شغل ایجاد شد، ولی در طول برنامه دوم، رقم کلی مشاغل ایجاد شده به ۶۰۰-۵۰۰ هزار نفر رسید. آمارها نشان می‌دهد که جمعیت شاغل کشور از ۱۶ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۸ میلیون نفر در سال ۱۳۷۸ رسیده است.

براساس برآورد کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، در سال ۱۳۷۸، با احتساب ۲/۵ میلیون نفر بیکار، نرخ بیکاری به ۱۵/۹۱ درصد رسیده بود. میزان بیکاری بستگی به نرخ رشد اقتصادی دارد،

یافته‌های طرح نشان می‌دهد:

۱- بیشترین درصد بیکاری در گروه سنی ۲۴-۲۰ ساله و به میزان ۳۱/۲۶ درصد کل بیکاران است.

۲- ۹۰/۳۸ درصد از بیکاران جویای کار باسوادند که میزان تحصیلات آنان از این قرار است:  
- ۲۱/۷۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی

- ۲۹/۲۸ درصد دارای تحصیلات دیپلم و

پیش‌دانشگاهی

- ۷/۵۹ درصد دارای تحصیلات عالی

۳- براساس نتایج آمارگیری از جمعیت شاغل، ۲۷/۳۶ درصد در بخش کشاورزی، ۳۰/۶۲ درصد در بخش صنعت و ۴۲/۰۲ درصد در بخش خدمات فعالیت می‌کرده‌اند.

۴- میزان بیکاری در کشور نسبت به سال ۱۳۷۷ حدود ۱ درصد افزایش داشته است.

۵- میزان بیکاری در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است.<sup>(۹)</sup>

اگر تأثیر مثبت رشد منظم تولید را بر حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی جامعه بپذیریم و آن را پایه و اساس پیشرفت اقتصاد کشور بدانیم، آنگاه می‌توان با مشارکت همه مردم جنبش «تولید محوری» را در کشور سامان داد و از اندیشمندان فرهیخته و کارشناسان خردورز برای هدایت جامعه به سمت تولیدی شدن و خروج از حصار صادرات تک‌محصولی و روبه پایان منافع نفتی در راستای سیاست توسعه پایدار و ایجاد اشتغال مفید و تولیدی برای جمعیت عظیم بیکاران کشور دعوت کرد.

نتیجه یکی از سیاست‌های اعمال شده در سال‌های گذشته، گسترش کمی آموزش عالی بوده است. در حالی که عده دانشجویان کشور در سال ۱۳۵۶ کمتر از ۲۰۰ هزار نفر بود، امروز عده دانشجویان متجاوز از ۱/۲ میلیون نفر و عده شرکت‌کنندگان در کنکور سراسری سال ۱۳۷۹ متجاوز از ۱/۳۳۰/۰۰۰ نفر است. عده دانشجویان در مدت ۲۲ سال ۶ برابر شده، در حالی که جمعیت کشور در همین مدت به ۲ برابر رسیده است. این موضوع نشان‌دهنده افزایش درصد دانشجو به جمعیت کشور است. این مطلب اگرچه در جای خود حسن است، ولی اگر آن را به عنوان یک

شاخص بارزش اجتماعی مانند شاخص آگاهی و یا شاخص مهم اجتماعی و فرهنگی در کنار شاخص‌های اقتصادی قرار دهیم، به نوعی تعارض، تضاد و ناهمسانی در سطح جامعه برخورد می‌کنیم. یعنی جامعه‌ای که دارای آگاهی بالا و درآمد سرانته پایینی است، در مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و نوع مطالبات خود از دولت جامعه تأثیر فراوان دارد.<sup>(۱۰)</sup>

## آمارها حاکی است به همان نسبت که جمعیت جوان کشور بیشتر می‌شود، میزان انواع جرایم نیز افزایش می‌یابد

یکی از دستاوردهای ملالت‌بار، غم‌انگیز و دردناک بیکاری جوانان (صرف‌نظر از مشارکت و محرومیت‌های اقتصادی) اعتیاد، بیماری‌های روانی، گسترش خشونت و تبه‌کاری در بین آنها است. کارشناسان معتقدند که رشد جمعیت جوان در هر جامعه‌ای با توجه به مقتضیات و چگونگی زمان و مکان، و از جمله، شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌تواند از عوامل تشدیدکننده خشونت تلقی شود.

آمار جرایم کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد که سهم عمده جرایم به جوانان تعلق دارد. لذا اتخاذ تدابیر و تمهیدات خردمندانه در جهت کاهش مسایل و مشکلات جوانان وظیفه عمده حاکمیت و جامعه است. کشور ایران به علت اتخاذ سیاست‌های نادرست زاد و ولد در دهه ۱۳۶۰، از جوان‌ترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. طبق آمارهای رسمی، بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور،

زیر ۲۴ سال قرار دارد. عدم تناسب و هماهنگی بین رشد جمعیت با سطح رشد توسعه، شرایطی را به جامعه تحمیل کرده که تبعات منفی و زیان‌بار آن تنها در حوزه اقتصاد خلاصه نمی‌شود، بلکه تمامی جنبه‌های حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در بر می‌گیرد.

از سال‌های ۵۸ و ۵۹ و با اعمال سیاست‌های ویژه، موانع کنترل جمعیت به طول کامل برچیده شد و به دلایل خاص، رشد آن مورد تشویق هم قرار گرفت. اجرای این سیاست‌ها تا سال ۶۷ ادامه یافت اما به تدریج، با ظهور تبعات آن و بروز مشکلات سیاسی - اجتماعی، مسئولان کشور مجبور شدند از سال ۱۳۶۸ برای کنترل جمعیت و کاهش نرخ رشد آن تدابیر جدیدی اتخاذ کنند، به طوری که نرخ رشد جمعیت که تقریباً به ۴ درصد افزایش یافته بود به ۱/۴ درصد کاهش یافت. نکته مهم در این زمینه آن است که اعمال سیاست‌های تشویق زاد و ولد بیشتر از سال ۵۸ تا ۶۸ موجب ظهور «موج جمعیتی» شد. این موضوع نه تنها تبعات و عوارض گسترده‌ای از لحاظ اقتصادی به بار آورد، بلکه اکنون شاهدیم که ابعاد سیاسی و اجتماعی و امنیتی نیز تبعات ویژه‌ای بر جای گذاشته است.

برپایه آمار سرشماری‌های موجود، جمعیت ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تاکنون ۳/۲ برابر افزایش یافته است. نکته قابل توجه در این زمینه عدم یکسان بودن افزایش جمعیت برای تمام سنین است، به طوری که درصد افزایش جمعیت جوان در مقایسه با دیگر بخش‌های سنی، افزایش بیشتری را نشان می‌دهد. در حالی که جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۵، ۳/۲ برابر شده، جمعیت گروه سنی ۲۴-۱۵ سال در این فاصله زمانی به ۴/۲ برابر افزایش یافته و نسبت آن از ۱۵/۶ درصد به کل جمعیت به ۲۰/۵۴ درصد جمعیت ایران افزایش پیدا کرده است. نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ به مسئولان هشدار داد که سطح زاد و ولد در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۵، به شدت افزایش یافته است. نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ نشان داد که جمعیت انبوه صفر تا ۴ ساله، به لایه سنی ۱۰ تا ۱۴ ساله انتقال یافته است و انتظار می‌رود در سال ۱۳۸۵ جمعیت گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ ساله به شدت افزایش یابد که به طور

قطع این ترکیب جمعیت بر همه شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت بیشتری است که جوانان هنگامی که به صورت توده‌های متراکم درآیند، آثار و رفتار جمعی قابل توجهی از خود بروز می‌دهند.

اگر خشونت را به معنای رفتارهای مبتنی بر زور و قهر بدانیم، می‌توان گفت که این قبیل اعمال در میان جوانان نسبت به سایر طبقات اجتماع شیوع بیشتری دارد. خشونت متضاد آرامش است و غالباً یک فرد زمانی مبادرت به رفتار خشن می‌کند که راه‌های دیگر، به ویژه روش‌های گفتگو و مذاکره را برای رسیدن به اهداف خود، کارساز نداند.

طبق آمارهای موجود، در سال ۱۳۷۰، ۵۰۹ فقره - در سال ۱۳۷۱، ۸۷۰ فقره - در سال ۱۳۷۲، ۱۱۶۷ فقره و بالاخره در سال ۱۳۷۷، ۱۶۴۴ فقره قتل به ثبت رسیده است. (برخی مسئولان تعداد قتل‌ها را ۲۷۰۰ فقره در سال اعلام کرده‌اند.) قربانی اکثر این قتل‌ها جوانان بوده‌اند (چه به عنوان قاتل و چه به عنوان مقتول).

تبعیض تمایل شدید به ابراز وجود، نبود شرایط مناسب برای تخلیه انرژی، بی‌مهری و کمبود محبت، احساس ناامیدی و سرخوردگی، آسیب‌پذیری روحی و احساس بی‌پناهی و حمایت، انگیزه اصلی جوانان در نزاع و بعضاً قتل تشخیص داده شده است.

خودکشی از دیگر رفتارهای ناهنجار در میان جوانان است. برخی گزارش‌ها نشان داده که تنها در تهران روزانه ۱۰ نفر میل به خودکشی پیدا می‌کنند که ۸ مورد آن به وقوع می‌پیوندد و بیشترین آن مربوط به دختران است.

سرقت یا ربودن مال غیر می‌تواند عادی یا مسلحانه و با استفاده از زور باشد. سرقت مسلحانه و خشن رافق گروهی خاص انجام می‌دهند که باید از جسارت، خشونت و قدرت جسمی برخوردار باشند. این ویژگی‌ها عمدتاً در طبقه جوان یافت می‌شود. آمارها حاکی است که طی سال‌های گذشته رشد سرقت (به طور عام) در مقایسه با اوایل انقلاب به میزان نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است. جدول شماره ۵ نشان‌دهنده رشد سرقت مسلحانه در سال‌های اخیر است.

علاوه بر این، کیف‌زنی و اغتشاشات بیشتری عمدتاً در شهرهای بزرگ دیده می‌شود. این رفتارهای ناهنجار در واقع نوعی سرقت با استفاده از زور تلقی می‌شود که مصدومان آن عمدتاً بانوان هستند. پدیده کیف‌زنی هم طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۷ از روندی شتابان برخوردار بوده است. (۱۱)

**جدول پنج**

سال	تعداد سرقت مسلحانه
۱۳۷۱	۲۵۵
۱۳۷۲	۲۵۱
۱۳۷۳	۴۹۸
۱۳۷۴	۶۰۰
۱۳۷۵	۴۹۵
۱۳۷۶	۶۵۶
۱۳۷۷	۷۹۳

نتیجه آن‌که بافت و ساخت جمعیتی کشور که نتیجه سیاست‌های جمعیتی دهه ۱۳۶۰ است، مشکلات عظیمی را برای کشور ایجاد کرده است.

از نظر کمی، این مازاد جمعیتی، «موج جمعیتی» را پدید آورده و از نظر کیفی، درخواست‌ها و مطالبات جدیدی را که این قشر جوان، رسیدن به حداقلی از آنها را حق طبیعی خود می‌داند، در مقابل مسئولان قرار داده است که تأمین نشدن آنها تبعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بسیار ناگواری را در پی خواهد داشت.



- ۱- روزنامه رسالت - چهارشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۷۹.
- ۲- دکتر سیدمهدی محرابیان - تولیدگرایی - نشر معارف - صفحه ۳.
- ۳- دکتر محسن نظری استاد دانشگاه - اطلاعات سیاسی اقتصادی - شماره ۱۳۲-۱۳۱.

- صفحه ۱۵۸.
- ۴- دکتر سیدمهدی محرابیان - تولیدگرایی - نشر معارف - صفحه ۳.
  - ۵- همان مأخذ - صفحه ۱۱.
  - ۶- دکتر مسعود نیلی معاون امور اقتصادی و هماهنگی‌های فرهنگی سازمان برنامه و بودجه «گزارش ویژه» - تدبیر شماره ۱۰۰، بهمن ۷۸.
  - ۷- دکتر مهدی فرجادی معاون آموزشی و پژوهشی مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه «گزارش ویژه» - تدبیر - شماره ۱۰۰، بهمن ۷۸.
  - ۸- سعید لیلانز - روزنامه صبح امروز - صفحه ۵ - ۲۵ فروردین ۷۹.
  - ۹- سعید لیلانز - روزنامه صبح امروز - صفحه ۵ - ۲۵ فروردین ۷۹.
  - ۱۰- دکتر مسعود نیلی معاون امور اقتصادی و هماهنگی سازمان برنامه و بودجه - تدبیر - شماره ۱۰۰ - بهمن ۷۸ - گزارش ویژه.
  - ۱۱- علی‌اکبر آقایی - جوانی، جمعیت و خشونت - فصلنامه مطالعات راهبردی - شماره ۵ و ۶ - سال ۱۳۷۸.

## آموزشگاه آرایش نورا

**با امتیاز رسمی از وزارت کار و امور اجتماعی**

**برای فراگیری علم فنون آرایش در سطح  
بین‌المللی با جدیدترین مدل‌های مو در نرم‌های  
فوق‌العاده و تخصصی ثبت‌نام می‌نماید.**

**هدل رایگان**

**شریعتی - مقابل حسینیه ارشاد**

**تلفن: ۲۲۷۹۶۹۴**